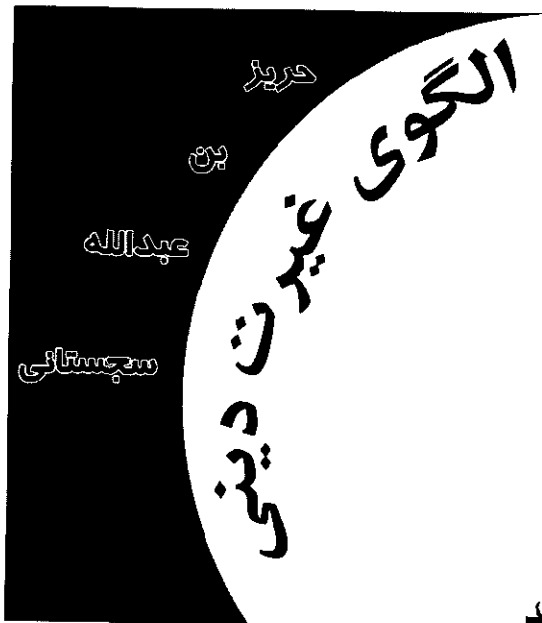




مطلع

نیمهٔ اوّل قرن دوم هجری از دوره‌های کم نظیر تاریخ شکوهمند شیعه است. در این دوره برای امامان شیعه مجالّی فراهم شد تا بتوانند حقایق تابناک و سازندهٔ اسلام ناب را به مردم مسلمان که ده‌ها سال از سرچشمه زلال و مواج معارف و آموزه‌های دینی دور افتاده بودند، معرفی کنند.

از مشخصه‌های این مقطع تاریخی، ضعف و افول حکومت استبدادی و اشرافی بنی امیه و ظهور حکومت بنی عباس بود. بنی عباس با شعارهای فریبنده دفاع از حقوق ضایع شده اهل بیت علیهم‌السلام به میدان مبارزه با خاندان بنی امیه آمده بودند. و در این بحبویه

که جنگ بر سر قدرت استمرار داشت، امامان بزرگوار شیعه فرصت را قدر دانستند و به نشر معارف شیعی پرداختند. امامان باقر و صادق علیهم‌السلام در مدینه بر کرسی تدریس و تعلیم قرار گرفتند و جان‌های تشنه که برای فراگیری معارف دینی پروانه وار دور شمع فروزان آنان گرد آمده بودند را از سرچشمه گوارای آن سیراب کردند.

چهار هزار نفر از دانش طلبان در زمینه‌های گوناگون از محضر امام صادق علیه‌السلام بهره‌های فراوانی بردند. محدّث فرزانه، حرّیز بن عبدالله سجستانی یکی از این شاگردان است که در این نوشتار به معرفی او می‌پردازیم.

نام، کنیه و لقب

نامش حریز، کنیه‌اش ابو محمد^۱ یا ابو عبدالله^۲، لقبش ازدی و منسوب به سجستان و کوفه است.^۳ تاریخ ولادت او معلوم نیست. پدرش عبدالله در جرگه عالمان دینی قرار داشت و در ناحیه سیستان آن عصر، سمت قضاوت داشته است.^۴

از یاران امام صادق علیه السلام

او که در زمرة نخبگان و محدثان برجسته شیعه است، یکی از یاران حضرت صادق علیه السلام به شمار می‌رود؛ تمامی رجال شناسان شیعه و سنی بر این سخن اتفاق دارند.

در کهن‌ترین کتابی که در شرح حال اصحاب و راویان نگاشته شده و تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ ه.ق.) است؛ حریز بن عبدالله از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده شده است.^۵ شیخ طوسی نیز او را از اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته است.^۶ ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: «کان مِنَ الرواة عن جعفر الصادق».^۷

در مصنف معجم البلدان آمده است: «حریز بن عبدالله کان صاحب ابی عبدالله جعفر بن محمد الباقر».^۸

از منظر امام علیه السلام

امام صادق علیه السلام به او اعتماد داشت؛ یکی

از روایات بسیار مشهور که در کتب حدیثی شیعه ذکر شده، روایتی است که بنابر آن، امام صادق علیه السلام کیفیت نماز خواندن کامل و صحیح را با تمام واجبات و مستحباتش به یکی از یاران معروف خود، به نام حماد بن عیسی عملاً یاد داده است. حماد می‌گوید: روزی امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: آیا می‌توانی یک نماز درست و کامل بخوانی؟ عرض کردم: مولایم! من کتاب حریز بن عبدالله را که در باب نماز نوشته است، حفظ کرده‌ام. حضرت در پاسخ فرمود: باکی بر تو نیست! بلند شو و نماز بخوان!^۹

از روایت فوق بر می‌آید که کتاب حریز بن عبدالله مورد استفاده اصحاب امامان علیهم السلام قرار می‌گرفت. امام معصوم علیه السلام نیز عمل حماد به این کتاب را، به اصطلاح دانشمندان فقه، تقریر فرمود و رد نکرد.^{۱۰}

رفع توهم

کشی می‌گوید: روزی یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام فضل از آن حضرت اجازه خواست که حریز به خدمت امام مشرف شود، ولی امام اجازه نداد. او دوباره درخواست کرد. این بار هم امام نپذیرفت. فضل می‌گوید: به امام عرض کردم: چرا او را نپذیرفتید؟ امام فرمود: چون حریز آشکارا دست به سلاح برد و با خوار درگیری پیدا کرد.^{۱۱}

بزرگان شیعه در توجیه این روایت،

سخن‌های متفاوتی گفته‌اند.

علامه حلی می‌گوید: این حدیث ابداً باعث مذمت حریر نمی‌شود، چون راز و رمز عمل امام بر ما مشخص نیست.^{۱۲} بعضی گفته‌اند: برخورد امام با حریر، نه با وثاقت او منافات دارد و نه با عدالت او.^{۱۳}

آیه‌الله سیدموسی شبیری زنجانی، مرجع تقلید، مدرّس حوزه و رجالی بزرگ می‌گوید:^{*} «حریر در مبارزه‌اش علیه خوارج دست به سلاح برد؛ این کار برای شیعیان خطر داشت. در آن زمان مصلحت نبود که چنین قدمی برداشته شود، چون شیعه آن چنان نیرومند نبود. حریر نیت خوبی داشت اما اشتباه کرد. او نمی‌خواست قیام کند. بنابراین، رفتار امام با او نه تنها با وثاقت او در تعارض نیست، بلکه با عدالت او هم تضاد ندارد.»

نویسنده این نوشتار نیز بر همین باور است. حریر بن عبدالله بارها برای تجارت به سجستان - سیستان فعلی - رفت و با توهین خوارج و نواصب به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رو به رو شد. حریر به عنوان یک شیعه غیرتمند و شجاع نمی‌توانست این جفا و ستم آشکار را تحمل کند. او این سخن امامان معصوم را شنیده بود:

«الناصب لنا اهل البيت شرّ من اليهود و النصارى... اِنَّه تعالى لم يَخْلُقْ خَلْقاً اَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ و اَنَّ الناصب لنا اهل البيت لا يُجْبَسُ منه»^{۱۴} ناسزاگویان به ما اهل بیت، از یهودیان و مسیحیان بدترند... خداوند متعال مخلوقی

را نجس‌تر از سگ نیافریده؛ دشمن ما اهل بیت، از سگ نجس‌تر است.»

این روایات بود که خون او را به جوش آورد. او باید برای حفظ جان خود و دیگر شیعیان تقیه می‌کرد. بر اثر این اشتباه بود که او به اتفاق جمعی از یارانش در سیستان به دست هــمـان دـشـمـنـان حـضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسید.

شیخ مفید می‌گوید: حریر بن عبدالله اهل کوفه بود، او از عراق هجرت کرد و به سیستان رفت و در آنجا شهید شد. او در آنجا به عنوان رهبر گروهی از شیعیان مطرح بود. در همان روزگار - قرن دوم هجری - خوارج در سیستان جمعیت زیادی را تشکیل می‌دادند. پیروان حریر ناسزاهای خوارج به ساحت مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به حریر خبر دادند و از او درخواست کردند دستور دهد تا هرکس را که مرتکب این کار زشت بشود، بکشند. حریر اجازه کشتن آنها را صادر کرد. آنها چند بار خوارجی را که به حضرت علی (علیه السلام) ناسزا می‌گفتند، کشتند. خوارج فکر نمی‌کردند که شیعیان این کار را انجام دهند؛ چون شیعیان در آن روزگار از جمعیت زیادی برخوردار نبودند، لذا گروه «مُزَجه» را متهم به این قتل‌ها کردند و آنها را کشتند. این کار استمرار داشت تا این که فهمیدند که قاتلان چه گروهی هستند. آنها حریر و یارانش را که در مسجدی جمع شده بودند، محاصره کردند و مسجد را بر روی آنان خراب کردند و همه

آنان را به شهادت رساندند. خداوند آنها را رحمت کند.^{۱۵}

از نگاه بزرگان

شخصیت برجسته و والای حریر چنان در اوج قرار دارد که تمام پژوهشگران اسلامی او را عمیقاً ستوده‌اند. از مجموع سخنان آنان به دست می‌آید که حریر از پیش‌قراولان علم حدیث شیعه است.

شیخ طوسی می‌نویسد: حریر بن عبدالله محدثی است موثق، اهل کوفه و ساکن اقلیم سیستان.^{۱۶}

کشی می‌نویسد: حریر اهل کوفه است، به سیستان هجرت کرد و در آنجا شهید شد. خداوند رحمتش کند.^{۱۷}

علامه حلی می‌نویسد: ابو محمد ازدی اهل کوفه بود و مسافرت‌های زیادی به سیستان کرد و بدین خاطر به سیستانی معروف شد. تجارت او در زمینه روغن و زیتون بود.^{۱۸}

ابن ندیم، (متوفای ۳۸۵ ه. ق.) می‌نویسد: یکی از بزرگان شیعه، حریر بن عبدالله سجستانی است.^{۱۹}

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه. ق.) در مقدمه کتاب ارزشمندش می‌نویسد: آنچه از روایات در این کتاب می‌آورم، خودم به آنها فتوا می‌دهم و حکم می‌کنم به درست بودن آنها و بر این باورم که این روایات بین من و خدا حجت هستند. این روایات را از کتاب‌های معتبر استخراج کرده‌ام، کتاب‌هایی که مرجع

عالمان شیعه است.

اولین کتابی که صدوق به عنوان مأخذ کتاب خویش نام می‌برد، کتاب حریر بن عبدالله سجستانی است.^{۲۰}

ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۲۵ ه. ق.) از کتاب مؤلف و مختلف، نوشته دار قطنی (متوفای ۳۸۵ ه. ق.) از دانشمندان معروف اهل سنت^{۲۱} نقل می‌کند که او درباره حریر بن عبدالله گفته است: «کان من شیوخ الشیعه و کان من الرواة عن جعفر الصادق (ع)»^{۲۲}

علامه مجلسی می‌نویسد: حریر یکی از بزرگان اصحاب شیعه است. همه عالمان و فقیهان شیعه روایات او را صحیح می‌دانند.^{۲۳} محدث بزرگ، میرزا حسین نوری می‌نویسد: حریر از بزرگ‌ترین روایتگران شیعه است. او محدثی است صد در صد مورد اطمینان و بدون هیچ گونه شائبه مذمت و بدی نسبت به او.^{۲۴}

حریر و ابوحنیفه

علی بن حسن بن رباط می‌گوید: حریر به من گفت: روزی نزد ابوحنیفه - پیشوای مذهب حنفی - رفتم. او آن قدر پیش خود کتاب نهاده بود که نزدیک بود بین من و او فاصله افتد. رو به من کرد و گفت: این کتاب‌ها را که می‌بینی، همه در باب طلاق است ولی شما! بعد دست‌هایش را به صورتش کشید؛ کنایه از این که شما، پیروان مذهب شیعه، کتاب زیادی ندارید. حریر می‌گوید: به او گفتم: تمام این کتاب‌ها که تو می‌گویی، در یک آیه

جمع است. گفت: کدام آیه؟ گفتیم: آیه «یا ایها النبی اذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ و احْصُوا الْعِدَّةَ...»^{۲۵}

سپس از من پرسید: چه می‌گویید در مورد حکم شتری که از دریا صید شود؟ من گفتم: روایت خاصی در این زمینه نداریم ولی روایت عامی داریم که «هرچه از دریا صید شود، اگر دارای فلس باشد، ما او را می‌خوریم و الا نه.»^{۲۶} حکم مسئله‌ای را که پرسش کردی، از این روایت به دست می‌آوریم.^{۲۷} استادان

بیشتر روایاتی که از این محدث توانا نقل شده و در منابع حدیثی شیعه آمده است، بدون واسطه از امام معصوم علیه السلام است. بر این اساس، استادان چندانی برای او در حدیث نام برده نشده است. حریر فقط از دو تن از نامورترین و موجه‌ترین روایتگران مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ زراره بن اعین و محمد بن مسلم حدیث نقل کرده است.^{۲۸}

شاگردان

حریر بن عبدالله سال‌ها از محضر امام صادق علیه السلام و احیاناً امام باقر علیه السلام بهره‌های فراوانی برد و ذخیره ارزشمندی از سخنان گهربار ائمه را در کتاب‌های خویش گردآوری کرد و آنها را همانند میراث گرانبها برای شاگردان فراوان خود به ارث نهاد.

تعداد شاگردانش از ۵۰ نفر تجاوز می‌کند.^{۲۹} در اینجا به ذکر نام گروهی از آنان

که از بزرگان رجال شیعه هستند، بسنده می‌شود:

۱. حماد بن عیسی.
۲. عبدالله بن مشکان.
۳. عبدالله بن نصیره.
۴. فضیل بن یسار.
۵. قاسم بن محمد جوهری.
۶. یونس بن عبدالرحمن.
- کشی می‌نویسد: یونس بن عبدالرحمن از حریر دانش فراوانی را روایت می‌کند.^{۳۰}
۷. صفوان بن یحیی.
۸. ایوب بن نوح.
۹. عبدالله بن بحر.
۱۰. عبدالله بن یحیی.^{۳۱}

میراث فرهنگی

بهترین و زیباترین میراث انسان، کتابهای مفید و ارزنده‌ای است که از او یادگار می‌ماند و در طی قرن‌ها، انسان‌های دانش‌پژوه از آنها بهره می‌برند. حریر بن عبدالله که در حوزه روایت، منزلت بلندی داشت و از دریای معارف امامان معصوم علیهم السلام استفاده شایانی برده بود، کتاب‌های ارزنده‌ای تألیف کرد. این ندیم می‌گوید: کتاب‌های این فقیه شیعه عبارت است از:

کتاب الزکاة، کتاب الصلوة، کتاب الصیام و کتاب النوادر.^{۳۲}

عبارت است از: کتاب الصلوة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم و کتاب النوادر که همه آنها از اصول معتبر شمرده می‌شوند.^{۳۳}

نجاشی می‌نویسد: او دو کتاب صلوة دارد؛ یکی بزرگ و دیگری لطیف‌تر (کوچکتر) از او. وی کتابی به نام نوادر هم دارد.^{۳۴}

کتاب صلوة او از شهرت به سزایی برخوردار و در میان یاران امامان علیهم‌السلام زبانزد بوده، به اندازه‌ای که شخصی همانند حماد بن عیسی تمام آن را حفظ کرده بود.^{۳۵}

مرحوم آية‌الله خویی می‌نویسد: در کتاب‌های حدیثی شیعه، ۱۳۲۰ روایت از حریر بن عبدالله نقل شده است.^{۳۶}

هدیه یاران

اکنون چند روایت را که حریر نقل کرده است تقدیم دوستان معارف اهل بیت علیهم‌السلام می‌نماییم:

رهبری معصوم

امام باقر علیه‌السلام فرمود: «قُلَّةُ شکوهمند و کلید ایمان، و اصل همه چیز و خشنودی پروردگار عالم بعد از معرفت او، اطاعت کردن از امام است. اگر کسی تمام شبها نماز بخواند و روزها را روزه بدارد و آنچه دارد، را صدقه دهد و خانه خدا را بارها زیارت کند اما ولایت ولی خدا را نشناسد، تا او را پیروی کند و تمام اعمال خویش را به رهبری او انجام

دهد، خداوند به او هیچ ثوابی عطا نخواهد کرد و از مؤمنان واقعی هم نخواهد بود.»^{۳۷}

خنده زیاد

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «كَثْرَةُ الضَّحْكِ قَمِيْتُ الْقَلْبِ وَ كَثْرَةُ الضَّحْكِ قَمِيْتُ الدِّينِ كَمَا قَمِيْتُ الْمَاءُ الْمِلْحُ»^{۳۸}؛ زیاد خنده کردن، جان را می‌میراند و افراط در خنده، دین را ذوب و نابود می‌کند چنانچه آب، نمک را ذوب می‌کند.

جبر و اختیار

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مردم در مسئله جبر و اختیار بر سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی می‌پندارند که خداوند، مردم را بر انجام گناهان مجبور کرده است. این چنین اشخاصی بر خدا ستم روا داشته‌اند و آنها از زمره کافرانند. جمعی دیگر تصور می‌کنند که خداوند تمام کارها را به بندگان وا گذاشته است و خدا تأثیری در رفتار آنها ندارد. آنها هم خداوند را در تدبیر جهان ضعیف شمرده‌اند. چنین افرادی کافرند. گروه سوم بر این باورند که خدا، مردم را به یک سلسله اموری که طاعت و توان آن را دارند، تکلیف کرده است و برآنچه توان ندارند، تکلیفی ننهاده است. آنها اگر کار پسندیده‌ای را انجام دهند، خدای را ستایش می‌کنند و اگر گناهی انجام دهند، به درگاه خدا استغفار می‌کنند.

چنین گروهی مسلمانانی هستند که از بلوغ
فکری برخوردارند»^{۳۹}

شهادت

در نیمه قرن دوم هجری که خوارج در
سیستان حضور فعال داشتند، حریر بن
عبدالله به عنوان یک شیعه انقلابی در آنجا
قیام کرد و در راه دفاع از امیرالمؤمنین
علی (علیه السلام) شربت شهادت نوشید.

نجاشی می‌گوید: حریر بن عبدالله در
زمان امام صادق (علیه السلام) در سیستان به شهادت
رسید.^{۴۰} تاریخ شهادت و محل دفن او روشن
نیست.

عاش سعیداً و مات شهیداً
راهش پر رهرو باد!

پی‌نوشت‌ها:

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۷۱؛ رجال نجاشی، ص ۱۰۵ و خلاصه الرجال، علامه حلی، ص ۶۳.
۲. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۱ و لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۱۸۶.
۳. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۱۸؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۱۶۰ و فهرست ابن ندیم، ص ۳۰۸.
۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۶ و لغت‌نامه دهخدا، ص ۶۹۸.
۵. معجم رجال الحديث، خویی، ج ۴، ص ۲۴۹؛ رجال شیخ طوسی، ص ۷۱؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۶؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۰ و تنقیح المقال، ممقانی، ج ۱، ص ۲۶۱.
۶. رجال شیخ طوسی، ص ۱۸۱.
۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۶.
۸. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۰.
۹. من لایحضره الفقه، ج ۱، ص ۱۹۶.

۱۰. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۱۶۱ و تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۶۲.
۱۱. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۱؛ معجم الرجال الحديث، ج ۴، ص ۲۵۰ و رجال نجاشی، ص ۱۰۵.
۱۲. خلاصه الرجال، ص ۷۳.
۱۳. معجم الرجال الحديث، ج ۴، ص ۲۵۰.
۱۴. در گفت و گو با مؤلف.
۱۴. مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۲۴.
۱۵. اختصاص، شیخ مفید، ص ۲۰۷.
۱۶. فهرست، شیخ طوسی، ص ۶۲.
۱۷. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۱.
۱۸. خلاصه الرجال، ص ۶۳.
۱۹. فهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۷.
۲۰. من لایحضره الفقه، ج ۱، ص ۳.
۲۱. الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۲۲۶ و ریحانة الادب، ج ۲، ص ۲۰۴.
۲۲. لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۶ و اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۱۸.
۲۳. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۶۲.
۲۴. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۱۸.
۲۵. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۱.
۲۶. طلاق / ۱.
۲۷. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۱.
۲۸. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۶۱۷.
- ۲۹ و ۳۰. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۴؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۶۳؛ معجم الرجال الحديث، ج ۴، ص ۲۵۲ و توحید صدوق، ص ۱۴۴.
۳۱. همان و امالی مفید، ص ۶۸.
۳۲. فهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۷.
۳۳. فهرست، شیخ طوسی، ص ۶۳.
۳۴. رجال نجاشی، ص ۱۰۵.
۳۵. من لایحضره الفقه، ج ۴، ص ۳ و ۱۹۶.
۳۶. معجم الرجال الحديث، ج ۴، ص ۲۵۴.
۳۷. تفسیر عباسی، ج ۱، ص ۲۵۹ و امالی مفید، ص ۶۸.
۳۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۶.
۳۹. توحید، ص ۳۶۰.
۴۰. رجال نجاشی، ص ۱۰۵ و رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۲.